

۵۹۷

۵۹۹

نمونه‌هایی از اشکالات موجود در برخی از ترجمه‌های قرآن کریم به زبان انگلیسی

نوشته: دکتر خالد بن محمد الوهیبی / دکتر عبدالله بن سعد السهلی

ترجمه: یعقوب جعفری
(بخش اول)

قرآن کریم از نظر کمال بلاغت و زیبایی اسلوب در سطح بسیار ممتازی قرار دارد، به گونه‌ای که حتی خود عربها نمی‌توانند به بلاغت آن احاطه پیدا کنند و از همه اسرار آن آگاهی یابند و به ژرفای آن برسند. با توجه به این واقعیت، مقاله حاضر در صدد یافتن پاسخ به چند پرسش زیر است:

۱. آیا می‌توان گفت که بلاغت قرآن مانع مهمی در پیش روی مترجمان قرآن است به

گونه‌ای که سبب می‌شود آنان نتوانند معنای مطلوب آیه را به زبان مقصد برگردانند؟

۲. مترجمان قرآن تا چه حد توانسته‌اند بلاغت قرآن را در زبان مقصد منعکس کنند، به

خصوص در معانی فرعی که همراه با معانی اصلی است؟

۳. آیا کسی که دست به ترجمه معانی قرآن کریم می‌زند باید عرب باشد، چون آنها بر فهم

بلاغت قرآن و دستیابی به ریزه کاری‌های آن از دیگران تواناترند؟

رشید رضا موانع فهم قرآن برای غیر عربها را ناآگاهی آنان از بلاغت قرآن کریم و قصور و

ضعف ترجمه‌ها می‌داند. او می‌گوید:

نخستین سببی که مانع فهم قرآن برای غیر عربهاست، ناآگاهی آنان از بلاغت زبان عربی است که

قرآن در این زمینه و از نظر اسلوب و نظم و اثرگذاری در جان مؤمنان و کافران به حد اعجاز

رسیده است. ترجمه‌هایی که غریبها در فهم قرآن به آن اعتماد دارند، همه از رساندن معانی قرآن

که از عبارات بلند و شیوه‌های اعجازی قرآن به دست می‌آید ناتوانند.^۱

طبق این بیان، هر کسی نمی‌تواند اسرار این کتاب عزیز را بفهمد، هر چند در علم نحو متبحر باشد؛ چون غرض از یادگیری زبان عربی تأمل در آن و در اسرار پنهان آن و شناخت معانی کتاب خداست. برای همین است که بسیاری از علما از تفسیر کردن آیات قرآن بدون آگاهی از زبان عربی منع کرده‌اند. مالک بن انس درباره کسی که بدون آگاهی از زبان عربی در صدد تفسیر قرآن است به تندی حرف می‌زند و می‌گوید: «اگر کسی را که عالم به زبان عربی نیست و به تفسیر قرآن می‌پردازد نزد من آورند، من او را کیفر می‌کنم».^۲

قرآن کریم اساس زبان عربی و منبع آن است و برای همین است که کار مترجمان دشوارتر و سخت‌تر است، چون آنها باید هم زبان عربی و هم تفسیر را به خوبی بدانند تا مراد خداوند را در کتاب عزیز او درک کنند.

از جمله اسرار زبان عربی و علوم آن که مفسر یا مترجم باید آن را بداند و در آن مهارت داشته باشد، علم معانی و بیان یا همان علم بلاغت است که به کمک آن مفسر یا مترجم می‌تواند به مراد کلام خدا برسد و آن را به آسانی و با عباراتی کوتاه بیان کند.

بیشتر مترجمان قرآن به این حقیقت اذعان دارند که ترجمه قرآن به گونه‌ای که مطابق اصل و یا حتی نزدیک به آن باشد محال است. محمد پیکتال می‌گوید:

ترجمه قرآن امکان‌پذیر نیست. اعتقاد علمای پیشین بر این بوده و من هم بر این باورم... این ترجمه تنها تلاشی است در جهت بیان معانی قرآن و احیاناً برخی از زیباییهای آن به زبان انگلیسی که هرگز ما را از خود قرآن بی‌نیاز نمی‌کند و هدف هم این نبوده است.^۳

به همین سبب پیکتال ترجمه خود را معانی قرآن نامیده است: The Meaning of the

Glorious Quran

عبدالله یوسف علی نیز بر همین مطلب تأکید می‌کند و می‌گوید:

چیزی که دوست دارم به تو تقدیم کنم، تفسیر قرآن به زبان انگلیسی در کنار متن عربی آن است و سعی من بر این است که بهترین تفسیری را که ممکن است معنای کاملی بدهد و من آن را از متن

۴۲۵۶

۱. محمد رشید رضا، الوعی المحمدی، المكتب الاسلامی، ص ۲۴-۲۵.

۲. سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۷۹، دار ابن کثیر، دمشق - بیروت، ۱۹۷۸.

3. Pickthall, *The Meaning of the Glorious Qur'an*: vii.

عربی فهمیده‌ام، تقدیم کنم.^۱

آربری که یک مترجم غیر مسلمان است و ترجمه خود را ترجمه قرآن نام نهاده، بلکه آن را «قرآن تفسیر شده» نامیده، در این زمینه می‌گوید:

ترجمه قرآن بسیار دشوار است، زیرا قرآن از نظر بلاغت، قوت و تأثیرگذاری به درجه‌ای است که هر ترجمه‌ای در هر حدی باشد، در برابر متن عربی قرآن، نسخه‌ای رکبیک از متنی بسیار زیبا به شمار می‌رود.^۲

آربری ترجمه خود را به عنوان تلاشی در جهت پالایش ترجمه‌های قبلی وصف می‌کند. معلوم است که هر کس قصد ترجمه قرآن را دارد، در برابر بلاغت و زیبایی اسلوب و شادابی بیان آن در مانده می‌شود و چون به ترجمه‌های قبلی رجوع می‌کند آنها را ناستوار و دور از معنی می‌یابد و از مترجمان قبلی انتقاد می‌کند و مترجم بعدی هم همین مترجم را نقد می‌کند. به عنوان مثال می‌بینیم پیکتال از ترجمه یوسف علی انتقاد می‌کند و آن را بی‌معنی (nonsense) توصیف می‌کند و می‌گوید که خود ترجمه بهتری به زبان انگلیسی ارائه خواهد داد؛ در حالی که ترجمه پیکتال چیزی جز نسخه دیگری از ترجمه یوسف علی نیست که تغییراتی یافته است.^۳ همچنین آربری - چنان که گفتیم - ترجمه خود را تلاشی در جهت پالایش ترجمه‌های قبلی می‌خواند و بر این باور است که شاید بتواند اندکی از بلاغت قرآن را منعکس کند.^۴

پس از بررسی دقیق مهم‌ترین ترجمه‌های متداول قرآن کریم (به زبان انگلیسی) می‌توان گفت که بیشتر آنها یا ترجمه تحت اللفظی‌اند که سعی دارند مفردات و ترکیب‌ها و اسلوب‌ها را منعکس کنند بی‌آنکه اولویتی به معنای آیات بدهند، و یا ترجمه‌های جمله به جمله‌اند که شبیه ترجمه‌های تحت اللفظی‌اند و بیشتر به ادبیات و دلالت الفاظ قرآن در زبان مقصد توجه دارند و در ترجمه جمله به جمله، به معانی مفردات در درون یک جمله می‌پردازند که می‌توان آن را با مراجعه به کتابهای لغت به دست آورد.

1. A. Y. Ali, *The Holy Qur'an: Text, Translation and Commentary*:

2. Arberry, *The Koran Interpreted*. 1963: vol. 1, p. 24

3. Nofakhar Hussain Khan, *Islamic Quarterly*. vol. 3, p. 3, No. 2.

۴. سلیمان برکات، «الترجمات الانجليزية للقرآن»، مجلة الازهر، شماره ۵۵، ص ۱۱۲-۱۱۷.

شیوه‌های دیگری هم در ترجمه قرآن کریم وجود دارد. از جمله آنها ترجمه آزاد است که معنای عمومی آیه را منعکس می‌کند، و نیز ترجمه تفسیری (مانند ترجمه هلالی و خان) که به شرح و توضیح در درون متن ترجمه شده می‌پردازد.

به نظر می‌رسد که خواننده معمولی، ترجمه تحت اللفظی را بهترین نوع ترجمه می‌داند، چون به ترکیب اصلی و اسلوب و معانی لغوی جمله نزدیک‌تر است، ولی برای خواننده پژوهشگر، نارسایی این نوع ترجمه در نقل معانی بسیاری از آیات قرآنی و دوری آن از معانی مراد در اصل، واضح است.

شکی نیست که هر زبانی بلاغت و ویژگیهایی دارد که زبانهای دیگر آن را ندارند. بنابراین، اگر قرآن به صورت تحت اللفظی ترجمه شود - که البته همان گونه که گفتیم این کار محال است - ویژگیهای بلاغی قرآن از بین می‌رود.

محمد اسد دانشمند اتریشی که مسلمان شد و قرآن کریم را ترجمه کرد، می‌گوید:

از چیزهایی که زبان عربی در میان زبانهای دیگر در آن ممتاز است، ابتکار در ایجاز و خلاصه گویی است و این در بلاغت قرآن به اوج خود رسیده است.^۱

بنابراین انتقال معانی و اشارات بلاغی و ایجاز در ترجمه‌های تحت اللفظی محال است.

علل دشواری ترجمه معانی قرآن کریم

مشکلاتی که هنگام ترجمه قرآن کریم آشکار می‌شود، به طور کلی بازگشت به این دارد که بسیاری از ترجمه‌های قرآن کریم، چنان که بیان خواهیم کرد، به صورت تحت اللفظی انجام شده‌اند. قطعاً هر ترجمه‌ای هر قدر دقیق هم باشد نمی‌تواند مطابق اصل باشد، هر چند متن اصلی آسان و ترکیب جمله‌ها روان باشد. زبانها در دلالت الفاظ و ترکیبهای نحوی و صرفی با یکدیگر تفاوت دارند؛ مثلاً ادبای عرب نمایشنامه‌های شکسپیر را به عربی، و انگلیسی‌ها داستانهای الف لیلة و لیلة را به انگلیسی، و ادبای عرب و نویسندگان غربی رباعیات خیام را به زبانهای خود ترجمه کرده‌اند، ولی این ترجمه‌ها با شکوه و زیبایی متن اصلی فاصله بسیاری دارند و از معانی و اشاراتی که از ترکیبها و واژه‌ها به دست می‌آید، دورند؛ گاهی مجرد علامت تعجب یا وقف، معانی عمیقی را می‌رساند که به هیچ وجه

۴۴۵۸

۱. دکتر عبدالله عباس ندوی، ترجمات معنی القرآن الکریم و تطور فهمه عند الغرب، ص ۱۴.

نمونه‌هایی از اشکالات موجود در برخی از ترجمه‌های... ۸۵ □

ترجمه‌ها نمی‌توانند رساننده آن باشند. حتی نقل کلام از زبانی به زبان دیگر به گونه‌ای که همه معانی و اشارات و زیباییهای اسلوب و شکوه بیان که در متن اصلی آمده به زبان مقصد منتقل شود، در کلام بشر از محالات است؛ پس چگونه می‌توان کلام خدا را که معجزه است و از حیث بلاغت و اسلوب و ترکیبهای هماهنگ در اوج شکوه قرار گرفته است، به زبان دیگر منتقل کرد؟ علل محال بودن چنین ترجمه‌ای بسیار است که ما چند نمونه از آن را ذکر می‌کنیم:

۱. اختلاف دلالت الفاظ

یکی از موارد، اختلاف دلالت در الفاظی است که در گفتن و نوشتن در زبان عربی و انگلیسی شبیه یکدیگرند؛ مثلاً آرتور آربری و عبدالله یوسف علی و دیگران نتوانسته‌اند نام سوره «ص» را جز به صورت تلفظ آن به زبان دیگر بیاورند و «ص» را در زبان انگلیسی «sad» ترجمه کرده‌اند که تلفظ آن به زبان عربی است و در زبان انگلیسی به معنای «غمگین» است و بدین گونه معنی به کلی تغییر کرده است.

۲. اختلاف ضمائر در دو زبان عربی و انگلیسی

در زبان انگلیسی، معادلی برای واژه «انتما» در خطاب به دو نفر وجود ندارد، بلکه برای مفرد و تثنیه و جمع، مذکر باشد یا مؤنث، یک ضمیر خطاب به کار می‌رود و آن you است. بدین گونه فرق میان مذکر و مؤنث و تثنیه و جمع مشخص نمی‌شود و کلماتی مانند: «کُلَا» «سَتَمَا» «فَاذْلَهَمَا» ترجمه دقیق ندارند. همچنین ترجمه کلمه «اخویکم» در این آیه إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات، ۱۰) ممکن نیست.

در این آیه «اخویکم» به صورت تثنیه است و نقل آن به این صورت به زبان انگلیسی امکان ندارد و پیکتال آن را به لفظ جمع brethren ترجمه کرده است.

The believers are naught else than brothers. Therefore make peace between your brethern.¹

۴۴۵۹

1. Pickthall, *The Glorious Qur'an*: 369.

۳. قوت معنی بر اساس تکرار لفظ

برخی از واژه‌های عربی فصیح به وسیله آهنگ و قوت تلفظ، معانی خاصی می‌دهند و همان گونه که خلیل و سیبویه و ابن جنی گفته‌اند، قوت لفظ به قوت معنی منجر می‌شود و در عربی گاهی یک کلمه با تکرار مقطع آن معنای وسیع‌تری می‌دهد، همان گونه که در این آیه آمده است: **فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَ أَلْغَاوُونَ** (شعراء، ۹۴).

صاحب‌کشاف در این باره گفته است: «کبکبه» تکرار «کب» است که دلالت بر تکرار معنی دارد. گویی وقتی شخص به جهنم افکنده می‌شود، چند بار این طرف و آن طرف می‌خورد تا در قعر آن قرار می‌گیرد.^۱ مترجم هرگز نمی‌تواند این واژه فنی را به این صورت بلیغ به زبان دیگر منتقل کند و به همین سبب است که ترجمه تحت‌اللفظی از بیان هدف اصلی و توضیح آن ناتوان است.

They be hurled therein^۲

They will be thrown headlong into the fire^۳

They shall be pitched into it^۴

اصولاً مترجمان از تکرار «کب» در واژه «کبکب» و آن آهنگ خاصی که دارد و بر قوت معنی دلالت می‌کند، غفلت کرده‌اند.

در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که بهترین شیوه برای ترجمه قرآن کریم کدام است؟ در فصل بعدی به این پرسش پاسخ داده می‌شود.

انواع ترجمه و شیوه‌های آن

دانشمندان در زبان‌شناسی تطبیقی می‌گویند ترجمه اقسامی دارد که از جمله آنها ترجمه تحت‌اللفظی، literal translation ترجمه آزاد، free translation ترجمه تفسیری، interpretation ترجمه مضمونی semantic translation و ترجمه پیوسته communicative است. ما در این بحث از مشهورترین آنها که همان ترجمه مضمونی و ترجمه پیوسته است

۱. الکشاف، تفسیر همین آیه.

2. Pickthall, *The Meaning of the Glorious Qur'an*: 484.

3. A. Y. Ali, *The Holy Qur'an: Text, Translation and Commentary*: 95.

4. Arberry, *The Koran Interpreted* 1963: vol. 2: 68.

سخن خواهیم گفت.

پیتر نیومارک (Newmark ۱۹۸۸: ۶۲) که یکی از بزرگان فن ترجمه است می‌گوید: بهترین و مناسب‌ترین نوع ترجمه، ترجمه مضمونی و ترجمه پیوسته است. وی در فرق میان این دو نوع ترجمه می‌گوید: ترجمه پیوسته از نظر اسلوب رساتر و از حیث وضوح و سادگی بهتر از ترجمه مضمونی است و ترجمه مضمونی به پیچیدگی و سنگینی اسلوب تمایل دارد و با مبالغه و تفصیل بیشتر همراه است. از نظر وی این نوع ترجمه در جهت رسیدن به تفاوت‌های دقیق معنایی، چیزی بیشتر از معانی اصلی را دارد. می‌توان گفت: از نظر نیومارک بارزترین چیزی که ترجمه پیوسته را از ترجمه مضمونی متمایز می‌سازد، مبدأ تأثیر متماثل Equivalent Effect این دو ترجمه است. او در این نظر با کولر (Koller, W ۱۹۷۲ م) که پیش از او بوده موافق است. نیومارک معتقد است که ترجمه پیوسته در خواننده تأثیری معادل تأثیر متن اصلی می‌گذارد و این از خلال سیاقی است که معنای اصلی بر محور آن می‌چرخد، در حالی که ترجمه مضمونی بیشتر به انتقال صیغه‌های نحوی و دلالت‌های لغوی الفاظ از زبان مبدأ به زبان مقصد می‌پردازد و این همان چیزی است که کتابهای لغت با انواع و اقسامی که دارند به آن می‌پردازند.

برای روشن شدن فرق میان این دو نوع ترجمه، نیومارک برگردان عبارتی را که به زبان آلمانی آمده است نقل کرده و می‌گوید: وقتی ما در ترجمه آن بگوییم: «از چمن دوری کن» Keep of the grass، ترجمه‌ای پیوسته ارائه داده‌ایم، ولی اگر عبارت را این گونه ترجمه کنیم: «راه رفتن روی چمن ممنوع است» Walking on the turf is forbidden ترجمه‌ای مضمونی به دست داده‌ایم. در اینجا هرچند ترجمه مضمونی دقیق‌تر است، ولی تأثیر آن در مخاطب به اندازه تأثیر ترجمه پیوسته نیست. بنابراین ترجمه نخست برای عبارت آلمانی مورد نظر روان‌تر و تأثیرگذارتر از ترجمه دوم است.

به نظر ما مبدأ تأثیر (که در بیان نیومارک آمده است) بیشتر شباهت به سخن علمای بلاغت عربی دارد که از قرن‌ها پیش به آن توجه داشتند و آن را در اصطلاح خود «معانی باطنی» یا «اغراض جمله» نامیده‌اند و منظور از آن همان معنای پنهانی و غرض اصلی است که گوینده یا نویسنده می‌خواهد آن را به شنونده یا خواننده القا کند. مثلاً مقدم داشتن مفعول در آیه شریفه «ایاک نعبد» معنای تازه‌ای می‌دهد که جز معنای ظاهری است و اهل بلاغت و تفسیر آن را ذکر

کرده‌اند. معنای ظاهری این است که ما خدا را می‌پرستیم ولی معنای پنهانی یا تأثیر مورد نظر در نفس شنونده یا خواننده افاده حصر است؛ یعنی اینکه ما فقط تو را می‌پرستیم و جز تو کسی را نمی‌پرستیم. این چیزی است که باید در مقام ترجمه به آن توجه داشت و به زبان مقصد منتقل کرد تا تأثیر مورد نظر محقق شود.

به طور کلی نیومارک معتقد است که بیشتر متنها به گونه‌ای هستند که باید آنها را به صورت پیوسته ترجمه کرد. بخش مهم نوشته‌های غیر ادبی روزنامه‌ها، مجلات، کتابهای معمولی، متون درسی و علمی، تبلیغات سیاسی، تجاری و عمومی و داستانهای مردمی، همه اینها به نظر نیومارک متنها و نمونه‌های مناسبی برای ترجمه پیوسته‌اند و در همین حال کتابهای تألیفی خواه فلسفی و دینی باشند یا سیاسی و علمی و فنی و ادبی، که در آنها ادبیات نویسنده بیشتر از محتوای کلام او اهمیت داشته باشد، باید به صورت مضمونی ترجمه شود تا به قدر امکان و تا آنجا که به هدف اسلوب متن آسیب نرساند، به ساختارهای اصلی و نحوی متن نزدیک تر باشد.^۱

این شیوه، یعنی روش ترجمه پیوسته شیوه‌ای است که بسیاری از ترجمه‌های معانی قرآن کریم از آن دورند و چنان که قبلاً گفتیم، بیشتر ترجمه‌ها تحت اللفظی هستند که در آنها بر دلالت الفاظ تکیه شده و این سبب پیدایش خطاهای بسیاری شده است که در بخش بعد به آن خواهیم پرداخت.

■

ادامه دارد

۴۷۶۴